

به نام خدا

بررسی تطبیقی مضامین دعای ابوحمزه ثمالی و مناجات شعبانیه

نرجس الله یورتی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با عنوان «بررسی تطبیقی مضامین دعای ابوحمزه ثمالی و مناجات شعبانیه» درصدد تطبیق مضامین مشترک در این دو دعا و بیان لحن ویژه هر کدام است. ائمه-علیهم السلام- بر خواندن مناجات شعبانیه قبل از ماه مبارک رمضان و در هر وقت تأکید داشته اند. این دو دعا، گنجینه‌های عظیم از تعلیم و تربیت و کارخانه انسان‌سازی هستند. اما متأسفانه امروزه جوانان و نوجوانان به جای توجه به ادعیه ائمه-علیهم السلام- به سوی عرفان‌های کاذب و موسیقی‌های گوناگون سوق داده شوند اهداف مهم این کار، بیان تفاوت‌های نجوا و دعا، سپس آشنایی با دعای ابوحمزه ثمالی و مناجات شعبانیه، توضیح مختصری درباره آنان و درک معانی والای مضامین دو دعا است. این کار، کاری نو و جدید است. مناجات شعبانیه مقدمه‌ای برای ورود به ماه مبارک رمضان و دعای ابوحمزه است. یکی از جنبه‌های دعا و مناجات جنبه‌ی استغفار و توبه است. از نظر معنا، دعا و مناجات هر دو یک چیز را تعلیم می‌دهند و آن توحید و یگانگی خداوند است. هم چنین صلوات بر محمد و آل او، در هر دو تأکید شده است. مناجات شعبانیه با تأکید بر صلوات، می‌رساند که با کمک گرفتن از نور پیامبر و ائمه اطهار، می‌توان وجود خود را صیقل داد و قفل زبان را مقداری باز کرد. هم چنین در دعای ابوحمزه به طور خاص، چندین بار ذکر صلوات تکرار شده است. ائمه با تعلیم فلسفی، اعتقادی، سیاسی، عبادی و... می‌خواهند به ما یاد بدهند که قبل از ورود به ماه مبارک رمضان بنده باید آن قدر با خداوند عاشقانه نجوا کند، که هیچ کس نداند و نفهمد یعنی فقط و فقط او باشد.

کلیدواژه‌ها: دعا، مناجات، مناجات شعبانیه، دعای ابوحمزه ثمالی

^۱. مقاله تحقیق پایانی، به راهنمایی خانم زهرا یاریان، زمستان ۹۵

مقدمه

آدمی در تنگنای زندگی و دنیا گاه آن چنان درگیر می‌شود و احساس تنهایی بر او غالب می‌شود که به هر دری زده، تا غم خویش را سبک کند. اما باید بداند که به فطرت خویش باز گردد و به سوی خالق یگانه دست نیاز بلند کند. خداوند متعال راه هدایت را برای انسان باز گذاشته و از همان ابتدای خلقت انسان، به هدایت و راهبرد او اندیشه کرده است. صد و بیست و چهار هزار پیامبر را برای هدایت و شناخت انسان برگزیده و پیامبر خاتم حضرت محمد-صلی الله علیه و آله و سلم- را که تکمیل کننده همه ادیان می‌باشد قرآن و عترت را برای هدایت ما به یادگار گذاشته‌اند و تأکید فراوان بر اینکه این دو جداناپذیرند داشته‌اند که این دو جدا نمی‌شوند تا در حوض کوثر در بهشت در کنار هم قرار می‌گیرند.

دعاهای ائمه هدی و متونی که مستقیماً از آنها به دست ما رسیده است همان مسائل و مطالبی را دارا می‌باشد که کتاب خدا دارد. اما با یک زبان دیگر؛ قرآن به یک نحو سخن می‌گوید و ادعیه ائمه اطهار به یک زبان دیگر. راهکار و چگونگی این نیازخواهی را در قالب دعاها و مناجات‌های خودشان به انسان آموخته‌اند. امروزه به جای سوق دادن جوان‌ها و نوجوانان به خواستن از خدا و مضامین والا و آرامش‌بخش دعاهای معصومین، دشمن نسل امروز را به سوی موسیقی، عرفان‌های کاذب و... معطوف می‌دارد و از راه درست و مستقیم دور می‌دارد. بسیاری از جوانان از دعا فقط چیزی را می‌دانند که اگر چیز مادی خواستند و دعا کنند اگر آن را خداوند به ایشان داد دوستشان دارد و اگر نداد دوستشان ندارد. این تحقیق درصدد این است که از بین این ادعیه مضامین مناجات شعبانیه و دعای ابوحمزه ثمالی را بررسی و تطبیق د

1. دعا در لغت و اصطلاح

دعا در لغت به معنای خواندن درخواست انجام کار است¹ اصل این کلمه (دعاو) بوده و به دلیل قرار گرفتن واو پس از الف تبدیل به همزه شده است.² ابوهلال عسکری ضمن تعریف دعا در تفاوت میان آن و ندا گفته است «دعا می‌تواند با صدای بلند یا کوتاه باشد اما ندا خواندن با آواز بلند است»³

دعا در اصطلاح شرعی به معنای روی آوردن به خداوند و درخواست از او با حالت خضوع دانسته‌اند. ابواسحاق می‌گوید دعا و درخواست از خداوند، سه نوع است، اول: بیان توحید و ثنای الهی است نظیر «یا الله لا اله الا انت». دوم: درخواست بخشش و رحمت از خداوند مانند «اللهم اغفر لنا» سوم: درخواست بهره‌دنیایی است مثل: «اللهم ارزقنا مالا و ولدا» به تمام این عبارات دعا گفته می‌شود. بر این اساس در معنای اصطلاحی دعا، مفهوم لغوی آن یعنی درخواست و طلب لحاظ شده است، با این تفاوت که اولاً مخاطب دعا در معنای لغوی عام است و شامل انسان‌هایی برابر یا برتر از داعی می‌شود در حالی که مخاطب دعا در معنای اصطلاحی تنها خداوند است، ثانیاً در مفهوم لغوی دعا کرنش و خضوع داعی لحاظ نشده است چنانچه درخواست از مخاطب برابر، ضرورتاً با کرنش همراه نیست. اما در مفهوم اصطلاحی دعا کرنش و خضوع در برابر خداوند لحاظ شده است. دعا در اصطلاح خواستن حاجت از خدای متعال است.

¹ - خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب‌العین، ج 2، چاپ دوم، موسسه دارالهجره، قم، 1909ق، ص 222.

² - اسماعیل بن همدان جوهری، حاشیه الصحاح، ج 6، چاپ چهارم، دارالعلم السلابین، بیروت 1407ق، ص 2337.

³ - ابوهلال عسکری، فروغ اللغویه، ج 1، قاهره، مکتبه للقدسی [بی تا]، ص 3.

2. فلسفه‌ی آفرینش دعا

البته غرض و منظور از آفرینش، سعادت خود انسان است که عاید خود او گردیده است نه خداوند متعال؛ زیرا او غنی بالذات و بی‌نیاز مطلق است.

عبادت دایره گسترده‌ای دارد که بخشی از آن در دعا و نیایش انجام گرفته است همچنان که معرفت هم صحنه پهنای دارد که بسیاری از آن در دعا و نیایش تبلور یافته است.

دعا، ندای فطرت آدمی است. نغمه دلنواز وجدان انسانی است و زبان دل یک عاشق پاکباخته الهی بوده است. دعا جذبه‌خداایی است، سروش غیبی است و کشش معشوق حقیقی.

دعا، اقرار به عبودیت و بندگی است و شکر و سپاس در مقابل منعم واقعی. نیایش خوراک دل است، تغذیه روح است، تقویت جان است و آرامش روان که «الا بذكر الله تطمئن القلوب»¹

انسان موجودی است دوبعدی، مرکب از جسم و جان، کالبد و روان که هردو نیازهایی دارند، نیاز جسم و کالبد با تنفس و تغذیه و... تأمین می‌گردد و نیاز جان و روان او هم با معنویت و نیایش.

روح انسان به هنگام نیایش پر می‌کشد، اوج می‌گیرد و به سوی ابدیت پرواز می‌کند و به معراج می‌رود و اصلاً ارزش و اعتبار انسانی بستگی به دعای او دارد که می‌فرمایند: «قُلْ مَا يَعْبُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دَعَاؤُكُمْ»²

دعا موجب تنزه و خودداری از گناه است و عامل اصلی طهارت و پاکی است در نیایش آدمی به خود نگریسته است، نواقص و عیب‌ها در مقابل دیدگانش ترسیم شده است، از غرور و نخوت

¹ -سوره رعد(13) آیه 28.

² - سوره فرقان(44)، آیه 77.

دست برخواهد داشت، خودخواهی و سودجویی را کنار زده است هوا و هوس را لگدکوب کرده است، از بدی و زشتی نفرت پیدا کرده است و با دیده‌ای اشک‌بار از خدا پوزش خواسته است. نیایش سبب دلگرمی و تحرک است. عامل پویایی و فعالیت است، پشتوانه کار و تلاش آدمی است، تقویت‌کننده‌ی روان در مقابل موانع و روح او درمقابل کارشکنی‌ها و محرومیت‌هاست، نیایش جایگزین علل و عوامل طبیعی نیست. بلکه پشتوانه‌ی آن است. جایگزین کار نیست بلکه آن را تقویت کرده است، نیایش سبب می‌شود انسان با دلگرمی بیشتر کار کند تا به نتیجه برسد و از موانع و بن‌بست‌ها هراسی نداشته باشد. رسول اکرم در جبهه‌های نبرد همیشه دست به دعا برمی‌داشتند و از خدا مدد خواسته بودند.

انگیزه دعا و نیایش دو چیز است: یا عشق و یا نیاز که عشق را خدا خواسته است و نیاز خود را. در یکی دعا هدف است و در دیگری وسیله. دعا در اسلام یک بعدی نیست که یا فقر مادی را در نظر بگیرد و یا نیاز معنوی را، بلکه فرهنگ اسلامی به طور کلی از جامعیت خاصی برخوردار است، هم دنیایی است هم آخرتی، هم نیازهای معنوی را مطرح می‌کند و هم خواسته‌های مادی را، هم توجه به نیازهای شخصی و اجتماعی و هم فرهنگی و هم ابعاد سیاسی را.

قسمتی از دعای عرفه. قسمتی از دعاها برای آن است که عبد با گفتن کمالی از کمالات حق تعالی به آن ابراز نیاز کرده و می‌خواهد کامل حق به گونه‌ای در او ظهور کند تا نیازش برطرف شود. بنابراین، حقیقت خواندن حق تعالی برای رفع نیاز خود، با این دیدگاه توحیدی است که موجود با خواندن او، می‌خواهد حق تعالی شأنی از شئون خویش را در او ظهور دهد، اگر چه آن موجود به این حقیقت توجه آگاهانه نداشته باشد که: «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي

نتیجه گیری:

دعاها و مناجات‌هایی که از ائمه-علیهم‌السلام- به دست ما رسیده است، جنبه‌های گوناگونی دارد، یکی از جنبه‌هایی که ایشان به آن توجه داشته‌اند جنبه‌ی استغفار و توبه است. اینگونه دعاها بیشتر جنبه‌ی تعلیمی دارد. خود دعا و مناجات مانند کلاس درسی می‌باشد که اگر به مضامین آنها دقت شود، آنها با درک معنی خوانده شود انسان راه درست را پیدا می‌کند.

مضامین مناجات شعبانیه که دعایی کوتاه ولی پربار است با مضامین دعای ابوحمزه ثمالی که هم پربار و هم طویل می‌باشد مشترکات فراوانی دارد شاید لفظ به کار رفته در مناجات، همان لفظ به کار رفته در دعا نیست اما از نظر معنا هر دو یک چیز را به ما تعلیم می‌دهند تعلیم توحید و یگانگی خداوند در هر دو دعای مذکور به زبان‌های مختلف موج می‌زند.

همچنین صلوات بر محمد و آل او در هر دو دعای مذکور تأکید و مورد توجه قرار گرفته شده است. مناجات شعبانیه با صلوات شروع شده است، دیده می‌شود که در اول، وسط و آخر مناجات صلوات آمده است، تأکید بر صلوات این را می‌رساند که با کمک گرفتن از نور پیامبر و ائمه اطهار که برگرفته شده از نور ذات الهی می‌باشد می‌توان وجود خود را صیقل داده و قفل زبان را مقداری باز کرد، قلب را سبک کرد و به سوی خدا رفت و همچنین در دعای ابوحمزه به طور خاصه چندین بار ذکر صلوات تکرار شده است. ائمه با تعلیم فلسفی، اعتقادی، سیاسی، عبادی و... این را می‌خواهند به ما یاد بدهند که قبل از ورود به ماه مبارک رمضان یعنی در ماه شعبان بنده باید آن قدر با خداوند عاشقانه نجوا کند و به مناجات پردازد به طوری که هیچ کس نداند و نفهمد فقط و فقط او باشد و خدای خویش، اول آن قدر با خدا مناجات کند با صفات خداوند آشنا شود تا

وقتی به ماه مبارک وارد شد ابوحمزه خواهد دیگر خود را نبیند، بلکه به درجاتی از شهود رسیده باشد. باید پرده‌های ظلمانی اول کنار رود تا به پرده‌های نورانی رسید که راهکار آن بسیار زیبا و لطیف در دل این دو دعای مذکور پنهان است. بنابراین مناجات شعبانیه مقدمه‌ای است برای دعای ابوحمزه و چگونه مضامین زیبای مناجات در دعا توضیح داده شده است آن وقت است که معجزه‌ی کلام ائمه را شاید بتوان فهمید.

فهرست منابع

- * قرآن کریم
- * نهج البلاغه، ترجمه دشتی.
- * صحیفه‌ی سجادیه، ترجمه حسین انصاریان.

الف- منابع فارسی

1. برازش، علیرضا، قرآن صاعد، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ نهم، بی‌تا.
2. تحریری، محمدباقر، نجوای عارفانه شرح مناجات شعبانیه، چاپ دوم، 1389، نشر حر، نشر سبحان.
3. حائری، علی، بشنو از نی، مروری بر دعای ابوحمزه، انتشارات لیل‌القدر، چاپ ششم، تابستان 1390.
4. خامنه‌ای، سیدعلی، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ اول، تابستان 1390.
5. خزائی، محمدعلی، شرح دعای ابوحمزه، بی‌جا، 1278.
6. دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، جلد اول، چاپ شانزدهم، دفتر انتشارات اسلامی، بهار 1382.
7. دستغیب شیرازی، علی محمد، دعا، چاپ اول، محرم 98، دیماه 1336.
8. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه.
9. راغب اصفهانی، محمدحسین، ترجمه مفردات الفاظ قرآن، کتاب‌فروشی مرتضوی، تهران، 1362 ش.
10. تابنده گناباری، سلطان حسین، نیاز تجلی، ترجمه دعای ابوحمزه ثمالی، انتشارات صالح، چاپ چهارم، تهران، 1362.
11. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج 2، چاپ اول، تهران، انتشارات دارالکتب، الاسلامیه 1374.

12. عبدخدایی، محمدهادی، جلوه گاه عرفان، شرح مناجات شعبانیه، چاپ یکم، چاپ آستان قدس رضوی، 1384.
13. فاتحی برزانی، حسین، راز سحرگاهی، شرح دعای ابوحمزه، قم، نشر روح، چاپ نمونه، چاپ اول.
14. فرحزاد، حبیب اله، دعا و اسرار اجابت، انتشارات عطش، چاپ اول، 1393.
15. قریشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج 2، تهران، دارالکتب الاسلامی، 1371.
16. قمی، حاج شیخ عباس، مفاتیح الجنان، چاپ ششم، انتشارات دهقانی، فروردین 1389.
17. _____، منتهی الامال، جاویدان، بی تا.
18. پرسش ها و پاسخ های دانشجویی، ویژه ماه مبارک رمضان، گروه مؤلفان، چاپ دهم، پاییز 89.
19. موسوی، روح اله، صحیفه ی نور، ج 19 و 20، بی جا، بی تا.
20. محمدی، حمید، مفردات قرآن، قم، انتشارات دارالعلم، چاپ دوم، 1381.
21. معین، محمد، لغت نامه، به همت دکتر جعفر شهیدی، انتشارات امیرکبیر، تهران، 1350.

ب- منابع عربی

22. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، 1414 ق.
23. ابوهلال عسکری، فروغ اللغویه، قاهره، مکتبه للقدسی [بی تا].
24. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، انتشارات آستان قدس رضوی، [بیجا]، 517 هـ.ق.
25. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه، چاپ علی اکبر غفاری، قم، 1363 ش.
26. حرعاملی، محمد بن حسن، جواهرالسنیه فی الاحادیث القدسیه، انتشارات طوس، مشهد، 1104 ق.

27. جوهری، اسماعیل بن همداد، حاشیه الصحاح، چاپ چهارم، دارالعلم السلاطین، بیروت 1407ق، ج 6، ص 2337.
28. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب قرآنی، دارالعلم شامیه دمشق، بیروت، 1412ق.
29. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 2، مؤسسه العلمی للمطبوعات، 1393هـ ق بیروت.
30. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج 1، کتابفروشی مرتضوی، تهران، 1375 هـ ش.
31. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج 2، انتشارات هجرت، قم، 1410ق.
32. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج 2، دارالکتب الاسلامی، چاپ چهارم، 1407ق.
33. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 15، بیروت، لبنان، [بی جا] 1404هـ ق.
34. _____، مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول، ج 8، دارالکتب الاسلامی، تهران، [بی تا].
35. مصطفوی حسن، التحقیق فی الکلمات قرآن کریم، ج 12، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1360.
- 36.
37. مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی عربی فارسی، بی جا، بی تا.
38. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة لذوی القربی، ج 3، قم، اسوه، 1416ق.
39. موسوی جزائری شوشتری، نعمت الله بن عبدالله، قصص الانبیاء، [بی جا]، 1404ق.